آنسوی مرز

انفجار مرگبار در کارخانه مواد شیمیایی

تلویزیون ملی اسلوونی از وقوع انفجار در یک کارخانه مواد شیمیایی در جنوب این کشور و مرگ دست‌کم شش نفر در این حادثه خبر داد. به گزارش ایسنا، این سانحه که روز پنجشنبه در کوچویه، حدود ۶۳ کیلومتری جنوب‌شرقی لیوبلیانا، پایتخت اسلوونی رخ داد، بزرگ‌ترین حادثه صنعتی این کشور از زمان استقلال آن در سال ۱۹۹۱ محسوب می‌شود. این حادثه احتمالا ناشی از خطای انسانی و به‌دلیل ترکیب دو ماده شیمیایی با هم بوده که در نهایت باعث انفجار و آتش‌سوزی گسترده شده‌است. ۲۰ نفر دیگر نیز مصدوم شدند.

غرق‌شدن قایق جان ۱۱ نفر را گرفت

گارد ساحلی آمریکا اعلام کرد که بر اثر واژگونی یک قایق در آب‌های ساحلی پورتوریکو، دست‌کم ۱۱ نفر جان باخته و ۳۱ نفر از سرنشینان این قایق نیز نجات یافته‌اند. ماموران گارد ساحلی تاکید کردند بیشتر نجات‌یافتگان، شهروندان هائیتی و جمهوری دومینیکن هستند. ماموران معتقدند سرنشینان این قایق، احتمالا مهاجران غیرقانونی بوده‌اند. بنابر گزارش بی‌بی‌سی، قایق غرق‌شده در حدود ۱۶ کیلومتری شمال جزیره دسچئو که یک قلمرو خالی از سکنه در ایالات متحده است، دچار سانحه شده است.

گزارش

معلم فداکار در مسیر مدرسه و در جریان سانحه رانندگی جان باخت

خداحافظ آقا معلم

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

معلمی فقط یک شغل برای امرار معاش نیست. فقط درس دادن و پای تخته رفتن و سروکله زدن با دانش‌آموزان نیست. معلمی در نمره دادن و امتحان گرفتن و زهرچشم گرفتن از شاگردان بازیگوش یا درس‌نخوان، خلاصه نمی‌شود. معلمی عشق خالص است و تا عاشق و جانباز نباشی نمی‌توانی معلمی کنی و آموزش بدهی. محمد بخشی، معلم ۳۰ساله مدرسه سعادتی روستای فانقین الموت قزوین هم از همین دست معلم‌ها بود و به‌خاطر عشقی که به شغل خود و دانش‌آموزانش داشت، جانش را چند روز پیش در یک سانحه تصادف و سقوط به دره از دست داد. چندی قبل، فیلم کوتاهی از او در حالی که به‌سختی از رودخانه عبور می‌کرد تا به کلاس درس برود در فضای مجازی منتشر شد. فیلمی که با تقدیر و تشکر کاربران همراه بود.

چند روزی است که چهاردانش‌آموز مدرسه سعادتی فانقین الموت غربی، دیگر آقا معلم سرسخت و متعهد به شغلش را نمی‌بینند. بچه‌ها هر روز صبح به حضور او عادت کرده بودند و می‌دانستند درس و مشق‌شان روی زمین نمی‌ماند. می‌دانستند هرطور شده، آقا معلم خودش را به کلاس می‌رساند و درسش را حتی اگر وسط آب و آتش باشد، می‌دهد. سه‌شنبه هفته گذشته اما آخرین روزی بود که محمد بخشی روی صندلی معلمی‌اش نشست.

جواد بخشی، عموی معلم فوت شده در مورد این حادثه به خبرنگار جام جم می‌گوید: «چهارشنبه هفته گذشته بود که محمد مثل همیشه، ساعت ۷ - ۶ صبح از مرکز استان قزوین به سمت رودبار الموت حرکت کرد. کار هر روزش بود. مشخص نیست چه اتفاقی افتاد، خوابش برد یا حواسش نبود، نمی‌دانیم اما خودروی پرایدش از مسیر جاده منحرف شد و به ته دره سقوط کرد. متاسفانه مسیر الموت هیچ گاردریلی ندارد و این هم ناشی از کم‌کاری مسؤولان ماست. شاید اگر گاردریل وجود داشت، الان محمد زنده بود. پس از تصادف، پیرزنی در آن حوالی مشغول چیدن علوفه برای دام‌هایش بوده که متوجه جسد برادرزاده‌ام می‌شود و بعد هم موضوع را به هلال احمر استان اطلاع می‌دهد. یکی از دوستانم نیز با من تماس گرفت و گفت که برادرزاده‌ام دچار حادثه شده‌است. با این خبر، خودم را به محل حادثه و بالای سر محمد رساندم. اوضاع خوبی نداشت. بعد از تصادف، محمد از خودرو بیرون افتاده و خودش را ۴۰ - ۳۰ متر روی زمین کشیده بود. طوری به او فشار آمده بود که زیر ناخن‌هایش خون آلود بود. شاید اگر کسی زودتر او را می‌دید، حالا زنده بود. محمد بسیار غریبانه فوت کرد.»

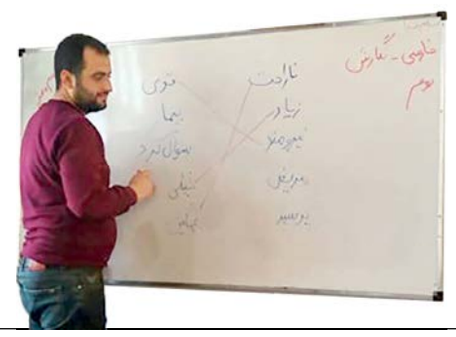

عموی معلم فوت شده که تنها هشت سال از برادرزاده‌اش بزرگ‌تر است، ادامه می‌دهد: «محمد هر روز به سبک ماهیگیران شمالی، لباس تنش می‌کرد تا از رودخانه رد شود. او عاشق شغلش بود و برای همین تمام سختی‌هایش را به جان خریده بود. امسال خیلی تلاش کردم تا انتقالی‌اش را به قزوین بگیرم و مجبور به طی این مسیر رفت و برگشت نباشد اما متاسفانه قبول نکرد و به من گفت با دانش‌آموزانم اخت شده‌ام و امسال هم کنارشان می‌مانم. او ۱۱سال سابقه کار داشت و دو سالی بود که به مدرسه فانقین می‌رفت و همین چهار دانش‌آموز را داشت. دو سال در این مدرسه بود و بقیه سال‌ها هم در روستاهای دیگر خدمت کرده بود. گاهی با موتور می‌رفت و می‌دیدم برای رسیدن به مدرسه حتی زنجیر چرخ هم می‌بست. او سختی‌های زیادی تحمل می‌کرد. تدریس در تمام روستاهای صعب‌العبور را به برادرزاده‌ام داده بودند و او هم به‌خاطر تعهد شغلی که داشت با عشق سر کلاس و درس بچه‌ها در روستاهای مختلف حاضر می‌شد.»

از این معلم فداکار که در قزوین زندگی می‌کرد، یک دختر هشت ساله و یک پسر سه ساله به یادگار مانده است. آن طور که عموی او می‌گوید اگر برادرزاده‌اش مثل برخی معلم‌ها دوست و آشنا داشت، مجبور نبود برای تدریس به نقاط صعب‌العبور برود و دچار حادثه شود. «حال مادرش اصلا خوب نیست. مادرش به‌شدت به محمد وابسته بود و پس از فوتش به‌شدت برای او بی‌تابی می‌کند. پدر محمد هم جانباز دفاع مقدس است و چهار سال اسیر بوده است. دیروز پدرش به من گفت برادر، در طی چهار سالی که در زندان عراق بودم، این قدر عذاب نکشیدم که در مرگ پسرم رنج کشیدم. محمد برای من فقط برادرزاده نبود، دوست و رفیقم هم بود. از روزی که این حادثه برای او اتفاق افتاده، احساس می‌کنم پشتگرمی‌ام را از دست داده‌ام. محمد خیلی جوان بود که رفت زیر خاک.»

او بغض‌اش را می‌خورد و می‌گوید خانواده‌اش هیچ مطالبه‌ای از مسؤولان ندارد جز این‌که حقوق ماهانه برادرزاده‌اش برای همسر و دو فرزند معلم فداکار برقرار باشد تا از نظر مالی و زندگی دچار مشکل نشوند.

نظمیه

ارزان‌فروشی، دزدان را گرفتار کرد

فروش تابلوی ۵۰۰میلیونی به قیمت ۸۰هزار تومان در سایت دیوار، اعضای باند حرفه‌ای سرقت از خانه شمال تهران را گرفتار کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل فروردین امسال، مرد تاجر و خانواده‌اش وقتی از سفر به خانه‌شان در شمال تهران بازگشتند، مشاهده کردند که قفل در تخریب شده و دو تابلوفرش منظره و مینیاتور یک میلیاردی، همراه کلی سکه، دلار، لیر، پوند و درهم که چهارمیلیارد تومان ارزش داشته سرقت شده و دوربین مداربسته ساختمان هم از کار افتاده است. آنها با حضور در پلیس آگاهی تهران ماجرای سرقت را اعلام و شکایت کردند.

در ادامه این ماجرا ۹ خانواده دیگر ساکن شمال تهران نیز با حضور در پلیس آگاهی پایتخت شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند. در بررسی از محل‌های سرقت معلوم شد دوربین‌های مداربسته این ساختمان‌ها نیز از کار افتاده است. تحقیقات ادامه داشت تا این‌که یک هفته قبل اولین شاکی همراه برادرش به پلیس آگاهی تهران آمد و گفت: برادرم به‌طور اتفاقی در سایت دیوار، آگهی فروش تابلوفرش سرقتی از خانه‌ام را دیده است. فروشنده قصد دارد تابلوی ۵۰۰میلیونی را ۸۰هزار تومان بفروشد، به همین خاطر تصور می‌کنم او سارق است.

ماموران با آموزش به این دو برادر از آنها خواستند به‌عنوان مشتری با فروشنده قرار بگذارند که فروشنده قبول کرد و به محل معامله در جنوب تهران آمد. ماموران محل را محاصره کردند و متهم بازداشت شد. تابلوفرش سرقتی هم از او کشف شد. متهم که طلافروش ورشکسته بود در ادامه تحقیقات گفت: مغازه داشتم و وضع مالی‌ام خوب بود اما همسرم سودای مهاجرت به آمریکا داشت که همین بدبختم کرد. او در لاتاری برنده شده بود، همه مال و اموالم را فروختم و به دلار تبدیل کردم. همسرم به آمریکا رفت و قرار شد من هم بعد از گرفتن اقامت به آنجا بروم اما شش ماه بعد فهمیدم او طلاق غیابی گرفته است.

وی افزود: بعد از رفتن همسرم کلی بدهکار شدم. دیگر راهی برای خلاصی از این وضع نداشتم تا این‌که با دزدان حرفه‌ای آشنا شده و با آنها همراه شدم. آنها دوربین‌های مداربسته را از کار می‌انداختند تا تصاویرمان ثبت نشود، بعد با تخریب قفل در خانه اموال با ارزش را سرقت می‌کردیم. من پیش از این طلافروش بودم و طلا و سکه‌ها را به آشناها می‌فروختم و اما فروش تابلوفرش توسط همدستانم در سایت دیوار ما را گرفتار کرد.

پس از اعترافات متهم، ماموران سه همدست او را در عملیات‌هایی جداگانه دستگیر کردند.

با دستور بازپرس کشیک دادسرای سرقت تهران، متهمان روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی پایتخت شدند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

حمله مرگبار داماد عصبانی به خانه پدرزن

نمایی از افراد زخمی در محل قتل

داماد عصبانی که به رفتارهای همسرش سوءظن پیدا کرده بود در اقدامی عجیب با چاقو به جان او و سه عضو خانواده‌اش افتاد. متهم بعد از قتل مادرزنش به کلانتری محل رفت و تسلیم شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۲۰ چهارشنبه بیست‌ویکم اردیبهشت امسال، صدای کمک خواهی و فریاد از مقابل خانه‌ای در محله ابوذر تهران بلند شد. اهالی به مقابل خانه مرد همسایه که تبعه افغانستان بود، رفتند و متوجه شدند او، همسر ۴۲ساله و دو دختر جوانش هدف ضربه‌های چاقو قرار گرفته‌اند. آنها به بیمارستان انتقال یافتند اما ساعاتی بعد مادر خانواده فوت شد. در جریان تحقیق از دو دختر خانواده معلوم شد قاتل، داماد خانواده و شوهر یکی از آنهاست. این زن در تحقیقات گفت: من و شوهرم دچار اختلاف شده و به خانه پدرم رفته بودم. آن شب شوهرم مقابل خانه پدری‌ام آمد و با من دعوا کرد. بقیه اعضای خانواده هم آمدند تا دعوا پایان گیرد اما نشد و شوهرم که چاقو داشت هر چهار نفرمان را زخمی کرد و متواری شد. با مشخص شدن هویت قاتل فراری، او تحت تعقیب قرار گرفت و دو ساعت بعد از مرگ مادرزنش وقتی همه راه‌های فرار را روی خود بسته دید به کلانتری رفت و تسلیم شد. محمد حسین زارعی، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: متهم در تحقیقات ابتدایی مدعی شده به رفتارهای همسرش سوءظن پیدا کرده و همین باعث درگیری‌هاشان شده و آن شب با تهیه چاقو به مقابل خانه پدری او رفته و با همسرش درگیر شده و او و سه عضو خانواده‌اش را زخمی کرده بود. حال پدرزن متهم وخیم است و پزشکان در تلاش هستند او را از مرگ نجات دهند.

عدلیه

زن شوهرکش در صحنه بازسازی قتل شوهرش

می‌خواهم در زندان با مرد مورد علاقه‌ام ازدواج کنم!

زن شوهرکش که به‌دلیل عشق ممنوعه، شوهرش را کشته بود در بازسازی صحنه قتل مدعی شد از کشتن شوهرش پشیمان نیست و می‌خواهد در زندان با مرد مورد علاقه‌اش ازدواج کند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از بیست‌وهفتم مرداد سال گذشته با کشف جسد مرد میانسالی در اتاق سرایداری یک شرکت آغاز شد. همسر مقتول مدعی بود سارقان در سرقت ناکام مانده و شوهرش را کشته‌اند اما چون ردی از سارقان به‌دست نیامد این زن به‌عنوان مظنون بازداشت شد و هشت‌ماه بعد اعتراف کرد به‌دلیل یک عشق ممنوعه و رسیدن به مرد مورد علاقه‌اش، شوهر خود را با ضربه میله‌آهنی به سر او کشته است.

مرد جوان پس از دستگیری منکر همکاری با این زن و اطلاع از قتل شد و چون نقش او در ماجرا به اثبات نرسیده بود، آزاد شد. با گذشت دو ماه از اعتراف، شهلا ـ متهم به قتل ـ سه روز قبل صحنه قتل را بازسازی کرد و گفت:« با خانواده‌ام اختلاف و درگیری داشتم و اذیتم می‌کردند که همین باعث شد وقتی مقتول به خواستگاری‌ام آمد، برای خلاصی از دست خانواده‌ام با او ازدواج کنم. به‌عنوان سرایدار در یک شرکت کار می‌کرد و در اتاق سرایداری زندگی می‌کردیم. چندی قبل با مردی از کارکنان شرکت آشنا و بعد از درددل، دلباخته همدیگر شدیم. او نیز ازدواج اجباری داشت. شوهرم طلاقم نمی‌داد به‌همین‌دلیل او را با ضربه میله‌آهنی کشتم تا با آن مرد ازدواج کنم. از قتل پشیمان نیستم. هرچند مرد مورد علاقه‌ام آزاد شده اما هنوز مرا دوست دارد. می‌خواهد به زندان بیاید و با من ازدواج کند. به من قول داده که رضایت بچه‌هایم را بگیرد.» محمد وهابی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: «تحقیقات در این‌باره ادامه دارد و با اعلام درخواست اولیای دم، پرونده به دادگاه کیفری یک ارسال می‌شود.»

مرگ مشکوک تاجر ایرانی پس از قرار شبانه در چین

تاجر ایرانی پس از قرار ملاقات با دو هموطنش در یکی از شهرهای چین به‌طور مشکوکی فوت شد. با شکایت خانواده این مرد، تحقیقات برای رازگشایی از ماجرا آغاز شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل هفته گذشته زنی با حضور در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران با طرح شکایتی گفت: پسرم تجارت و با همسرش در شهر ایووی کشور چین زندگی می‌کرد. او شرکتی راه‌اندازی کرده بود. چندی قبل برای دیدن آنها به چین رفته بودم. یک روز پسرم می‌خواست به محل کارش برود که مردی ایرانی که با او اختلاف مالی داشت تماس گرفت و به پسرم گفت به محل قراری برود. پسرم قبول نکرد و راهی دفترکارش شد. شب با او تماس گرفتم و فهمیدم با آن مرد و فرد دیگری قرار گذاشته تا مشکل را حل کنند. هرچه منتظر شدیم پسرم به خانه برنگشت تا این‌که ساعت ۵ صبح، مرد ایرانی با گوشی پسرم با خانه تماس گرفت و خبر داد حال او در شرکت بد شده و خواست با اورژانس تماس بگیریم. دل‌نگران، راهی محل کار فرزندم شدیم. وقتی به شرکت رسیدیم، پسرم را به بیمارستان انتقال داده بودند. به بیمارستان رفتیم که ساعتی بعد او فوت شد. موضوع را به پلیس چین اطلاع دادیم اما دو مردی که آن شب در دفتر پسرم بودند بازداشت نشدند. تصاویر مداربسته نشان داد آن دو مرد که ایرانی هستند با فاصله زمانی از شرکت پسرم خارج شده‌اند.

وی ادامه داد: جسد پسرم را به ایران انتقال دادیم که پزشکی قانونی علت مرگ او را اصابت ضربه‌های مرگبار به سر و ضربه مغزی اعلام کرد. از دو مردی که مهمان پسرم بودند شکایت دارم. تصور می‌کنم آنها پسرم را کشته‌اند.

ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: قرار شد مکاتباتی با پلیس و مراجع قضایی کشور چین انجام شود تا فیلم دوربین‌های مداربسته و نیز نتیجه تحقیقات انجام‌شده در اختیار مرجع قضایی ایران قرار گیرد. همچنین درباره دو نفری که خانواده این جوان ایرانی از آنها شکایت دارند نیز تحقیق شود.

یادداشت

خشونت عریان در پرونده‌های شوهرکشی

محمد غمخوار
دبیر گروه حوادث

سال‌هاست کارشناسان درباره دلایل و راهکارهای پیشگیری از قتل‌های خانوادگی به‌خصوص همسرکشی صحبت کرده‌اند و همچنان این قتل‌ها در شهر و روستاها در حال وقوع است. قتل همسران در این سال‌ها نه تنها کمتر نشده بلکه خشن‌تر شده‌است. زنانی که تا چند سال قبل با کمک مردی دیگر مرتکب قتل شوهران خود می‌شدند، حالا خود وارد عمل می‌شوند و به تنهایی و با شیوه‌هایی خشن مردان را به قتل می‌رسانند. در اغلب پرونده‌ها نیز پای مرد دیگری در میان است. ماجرا شهلا و قتل شوهرش هم یکی از این پرونده‌هاست اما با این تفاوت که او نه تنها از قتل شوهرش ناراحت نیست، بلکه منتظر است تا در زندان با مرد مورد علاقه‌اش ازدواج کند و بچه‌هایش رضایت دهند. او خود را قربانی شرایط خانواده‌اش می‌داند و می‌گوید برای فرار از اذیت‌های خانواده‌اش مجبور شده بدون عشق و علاقه با مرد ازدواج کند. بعد از چند سال هم به یکی از دوستان شوهرش علاقه‌مند شده و با او قول و قرار زندگی مشترک می‌گذارد. برای رسیدن به این مرد باید از شوهرش جدا می‌شد و وقتی همسرش راضی به طلاق نمی‌شود نقشه قتل او را اجرا می‌کند. بررسی این پرونده‌ها نشان می‌دهد، نسخه‌هایی که از سوی کارشناسان برای این اتفاق تلخ خانوادگی نوشته شده، کارایی ندارد و باید جدی‌تر به این معضل ورود پیدا کرد. شاید بتوان با تغییری در برخی قوانین مدنی شرایط طلاق را تغییر داد. یا این‌که مانند پزشک خانواده از روان‌شناسان خانواده استفاده کرد. این روان‌شناسان می‌توانند با بررسی زندگی زوجین برای حل مشکل آنها راهکارهای موثر ارائه دهند. طلاق نیز می‌تواند یکی از این راهکارها باشد. راهکاری برای پیشگیری از شوهرکشی. توجه به روابط فرازناشویی یکی دیگر از راهکارهای پیشگیری است. بر اساس آماری که توسط یک پژوهشگر منتشر شده، علت ۸۰ درصد پرونده‌های شوهرکشی روابط فرازناشویی است. این موضوع می‌تواند به صورت ریشه‌ای‌تر مورد بررسی قرار گیرد و عوامل شکل‌گیری این عشق‌های ممنوع، شناسایی و راه‌های حذف آن مطرح شود. افزایش خشونت در زنان شوهرکش، یکی دیگر از موضوعات مهم است که باید مورد توجه قرار گیرد. قتل شوهر در بوشهر با ساتور و تکه‌تکه کردن جسد، قتل شوهر با قندشکن در تهران، کشتن شوهر و مثله کردن جسد با میله آهنی در اتاق سرایداری نمونه‌هایی از این دست جنایت‌هاست که نه تنها خشونت در آن موج می‌زند بلکه نحوه جنایت حکایت از برنامه‌ریزی قاتل دارد. زنگ خطر پرونده‌های شوهرکشی به صدا درآمده و اگر بی‌تفاوت از کنار آن بگذریم در آینده با یک معضل اجتماعی روبه‌رو خواهیم بود.

کوتاه از حوادث

شهادت یک مامور در امیدیه

یکی از ماموران شهر امیدیه از سوی راننده خودروی شوتی در این شهرستان به شهادت رسید.

سرهنگ علیرضا میررضایی، فرمانده انتظامی امیدیه استان خوزستان به سایت پلیس گفت: در راستای مبارزه با قاچاق کالا و ارز، کارکنان انتظامی پاسگاه آسیاب شهرستان امیدیه هنگام کنترل خودروهای عبوری به یک دستگاه خودروی سواری شوتی حامل کالای قاچاق مشکوک و پس از دستور ایست، راننده بدون توجه به دستور پلیس و به صورت عمدی با سروان مسلم تقی زاده به شدت برخورد کرد. این مأمور به دلیل شدت صدمات وارده، فوت کرده و به شهادت رسید. در ادامه مرد قاچاقچی بازداشت شد.

مرگ جهانگرد آلمانی در جنوب

گردشگر آلمانی بر اثر واژگونی موتورسیکلت در باغملک دچار حادثه شد و فوت کرد. عبدالرضا خشنود، مسؤول مرکز فوریت‌های پزشکی باغملک استان خوزستان به ایرنا گفت: ساعت ۱۱ و ۱۵دقیقه پنجشنبه بیست‌ودوم اردیبهشت امسال، یک دستگاه موتورسیکلت در مسیر دوراهی اسلام‌آباد به باغملک حدفاصل روستای دم‌آب واژگون شد. راکب آن یک جهانگرد آلمانی بود که فوت شد.

سقوط مرگبار داور فوتبال

داور جوان، وقتی کلید را در خانه جا گذاشت و می‌خواست از بالکن وارد شود، از ساختمان چهار طبقه افتاد و فوت کرد. رضا زرندی، رئیس اداره ورزش و جوانان میاندوآب استان آذربایجان غربی به ایرنا گفت: محمدکنعانی، داور فوتبال بود که دو روز پیش به علت این‌که کلید خانه را داخل واحدش جا گذاشته بود، قصد داشت از طریق بالکن همسایه خود را به خانه برساند که سقوط کرد و فوت شد.